

گزارش پلنوم ششم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

پلنوم ششم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در روزهای 2 و 3 خرداد ماه 1387 برابر با 22 و 23 می 2009 با حضور رفقای کمیته مرکزی حزب و رفقای کمیته مرکزی کومه له که به عنوان ناظر به پلنوم دعوت شده بودند، برگزار گردید.

در این نشست ابتدا کمیته اجرائی گزارش سیاسی و تشکیلاتی خود را به کمیته مرکزی ارائه داد. این گزارش که سرفصل های مختلفی داشت به ارزیابی مهمترین تحولات مربوط به اوضاع سیاسی ایران، موقعیت جنبش های اجتماعی و همچنین گزارش عملکرد عرصه ها و ارگانهای تشکیلاتی از جمله کومه له، کمیته تشکیلات شهرها، تشکیلات خارج کشور، تلویزیون کومه له، وضعیت مالی تشکیلات، نشریه جهان امروز، سایت های حزب، رادیو صدای حزب کمونیست ایران و عرصه های دیگر فعالیت پرداخته بود. بدنبال، پلنوم محورهای اصلی گزارش را مورد بحث و بررسی قرار داد.

در مبحث مربوط به اوضاع سیاسی ایران، پلنوم بار دیگر ابعاد و دامنه بحران سرمایه داری ایران، تاثیر عواقب و پیامدهای ناشی از آن بر زندگی طبقه کارگر و توده های مردم و بحران سیاسی را که طبقه سرمایه دار و رژیم جمهوری اسلامی با آن دست بگیربان است را مورد بررسی قرار داد. نظام سرمایه داری ایران همانطور که پروسه تولید و بازتولیدش از قانونمندی عمومی سرمایه داری پیروی می کند، بحران آن هم تابع همین قانونمندی عمومی است، اما ویژگی ها و شرایطی که پروسه تولید و باز تولید و انباشت سرمایه داری در آن انجام می گیرد به ابعاد این بحران وسعت بیشتری بخشیده است. سرمایه داری ایران قبل از اینکه از بحران اخیر سرمایه داری جهانی هم متاثر شود با بحرانی عمیق و همه جانبه روبرو بود. سرمایه داری ایران هنوز اثرات انقلاب توده ای 1357، هشت سال جنگ، زیر ساختهای ویران اقتصادی، اثرات حاکمیت مذهبی که قوانین و فرهنگش با الزامات سرمایه داری خوانائی ندارد، و موانع زیادی که بر سر ادغام کاملش در بازار جهانی وجود دارد را با خود حمل می کند.

اکنون اضافه بر تورم و گرانی، آنچه پیامدهای بحران سرمایه داری ایران را برجسته تر نشان می دهد، شرایط نابسامان تولید، پایین آمدن ظرفیت تولیدی کارخانه ها و مراکز صنعتی در اثر بالا رفتن هزینه تولید، زانو زدن در مقابل کالاهای ارزان ساخت چین و هند در بازار داخلی و تداوم موج روز افزون ورشکستگی و تعطیلی کارخانه ها و بیکارسازیهای باز هم گسترده تر است.

رژیم جمهوری اسلامی برای بقا و تداوم حاکمیت خود، حل و یا تخفیف این بحران و ورشکستگی اقتصادی و ممانعت از تبدیل بحران سیاسی کنونی به یک بحران انقلابی را که می تواند کل نظام سرمایه داری را به مخاطره بیندازد را در اولویت استراتژیک خود قرار داده است. از محورهای اصلی طرح بودجه 1388 دولت، (حذف سوبسیدها از کالاهایی مانند برق و گاز، فرآورده های نفتی و پاره ای خدمات دولتی، تداوم خصوصی

سازی ها، تثبیت نرخ ارز، ... و در همانحال حفظ هزینه های سرسام آور دستگاه دولت) چنین پیداست که رژیم از یکطرف می خواهد از مسیر رفع موانع سر راه ادغام هر چه بیشتر سرمایه داری ایران در بازار جهانی و تولید و تامین سودآوری مطابق استانداردهای بازار جهانی، بار دیگر مطلوبیت خود را برای سرمایه داری ایران به اثبات برساند و از طرف دیگر با حفظ هزینه های بالای دولت و با تجهیز و تثبیت هر چه بیشتر موقعیت سپاه پاسداران در دستگاه دولت و مکانیسم های سیاست گذاری قصد خود را در اعمال تشدید خشونت و سرکوبگری های بیشتر در مقابله با جنبش های اجتماعی و اعتراضی، و از این راه ممانعت از تبدیل بحران سیاسی کنونی به بحران انقلابی را به آزمون بگذارد. در این راستا نمایش انتخاباتی دهمین دوره ریاست جمهوری عملاً به ابزار و امکانی تبدیل شده است که جمهوری اسلامی می خواهد بوسیله آن آرایش سیاسی متناظر بر اهداف و اولویت ها و توازن قوای جناح ها درون حاکمیت را وجهه شرعی و قانونی ببخشد، به آن مهر انتخابات بکوبد و از این راه به بقا و حاکمیت سپاه خود ادامه دهد.

از اینرو این نمایش انتخاباتی نه تنها از زاویه ضدیت آن با ابتدایی ترین معیارهای یک انتخابات دمکراتیک بلکه از زاویه جایگاه و مکانی هم که برای بقای رژیم پیدا کرده است، ضروری است که با شکست مواجه شود. موفقیت رژیم در کشاندن مردم به پای صندوق های رای، مستقل از اینکه چه کاندیدایی از صندوق ها سر بیرون می آورد، رژیم جمهوری اسلامی را در سرکوب جنبش های اجتماعی و اعتراضی در جامعه جری تر می کند. از اینرو پلنوم بر ضرورت تداوم کمپین سیاسی و تبلیغی از طریق ارگانها و رسانه های حزب و کومه له برای به شکست کشاندن اهداف رژیم از این نمایش انتخاباتی تاکید ورزید.

در شرایط کنونی آنچه آینده سیاسی جامعه ایران را رقم می زند، نتیجه و سرنوشت مبارزه و کشمکشی است که در یک جبهه آن کلیت رژیم جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار ایران، و در جبهه مقابل جنبش های اجتماعی، در پیشاپیش آنها جنبش طبقه کارگر و کل جنبش سوسیالیستی ایران قرار گرفته است. در میدان این کشمکش سرنوشتی و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی تابعی است از تشکل یابی و پیشروی جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی. بدون تشکل یابی طبقاتی و حزبی طبقه کارگر در ابعاد توده ای نمی توان استراتژی سرنوشتی جمهوری اسلامی و تحقق انقلاب اجتماعی را به شعار تاکتیکی روز تبدیل کرد. نه تنها سرنوشتی جمهوری اسلامی بلکه ایجاد هر نوع بهبود و اصلاحی و لو کوچک در زندگی مردم و تثبیت دستاوردهای مبارزاتی آنها تنها از مسیر مبارزه و تشکل یابی میگذرد.

نشست کمیته مرکزی در ادامه بحث حول اوضاع سیاسی ایران به ارزیابی عمومی از رویدادهای مربوط به جنبش های اجتماعی پرداخت و در همین رابطه تاکید کرد: که رژیم جمهوری اسلامی بنا به غریزه طبقاتی و آگاهی به نقشی که طبقه کارگر می تواند در تحولات آتی و تبدیل بحران سیاسی کنونی به یک بحران انقلابی داشته باشد چنین سبانه در مقابل عزم دلیرانه تشکل های کارگری برای برگزاری مراسم اول ماه مه عکس العمل نشان داد. بعد از سه دهه سرکوب جنبش کارگری و تحت فشار و

پیگرد قرار دادن سیستماتیک فعالین این جنبش و ممنوعیت ایجاد تشکل کارگری، رژیم عزم ده تشکل کارگری برای برگزاری مراسم اول ماه مه را یک شکست سیاسی برای خود بحساب می آورد، از اینرو نتوانست آن را تحمل کند. اما علیرغم سببیت رژیم و بگیر و ببند بیش از 150 نفر از فعالین کارگری و انسانهای آزاده که ده ها تن از آنان هنوز هم در پشت میله های زندان بسر می برند، جنبش کارگری با عزم تشکل هایش برای برگزاری روز کارگر یک گام دیگر بجلو برداشت. روند رو به پیش جنبش کارگرای و همکاری و اتحاد عمل تشکل های کارگری برای برگزاری مراسم روز کارگر، خانه کارگر و شوراهای اسلامی وابسته به رژیم را وادار کرد که مراسم دولتی را یک روز قبل از روز کارگر در سالنهای سر پوشیده با کارت دعوتی و تحت کنترل کامل نیروهای امنیتی برگزار کنند، در عوض کارگران مراسم خود را از گل گشت ها و نقاط دورافتاده از شهرها به مراکز شلوغ شهر آوردند. تشکل های کارگری با قطعنامه سراسری و ادعانامه ای که علیه سرمایه داری صادر کردند و با مضمون مطالباتی که مطرح کردند اعلام کردند که نمی خواهند بار بحران سرمایه داری را بر دوش بکشند و افق یک جامعه انسانی را در پیشروی کل جامعه قرار دادند. اتحاد عمل و همکاری ده تشکل کارگری علیرغم اختلافاتی که با هم دارند برای برگزاری آکسیون اول ماه مه نشان داد که چگونگی پیشبرد اختلافات در میان فعالین جنبش کارگری ایران می رود تا جایگاه واقعی خود را پیدا کند، یعنی فعالین کارگری می روند تا این ظرفیت را از خود نشان دهند که علیرغم وجود گرایشات و اختلاف نظر، نگذارند به صف طبقاتی آنها در برابر سرمایه داران و دولت لطمه ای وارد آید و این نشانه بلوغ سیاسی و خودآگاهی طبقاتی فعالین و پیشروان جنبش کارگری ایران است. تشکل های کارگری با این اقدام کل جامعه را متوجه نقش جنبش کارگری کردند. در روز کارگر 1388 کارگران اگر چه مورد حمله و ضرب و شتم نیروهای امنیتی رژیم قرار گرفتند، دستگیر و روانه زندان شدند، اما آگاه تر و متحد تر شدند، و این دستاوردی با ارزش برای کارگران و گام دیگری به پیش است.

جنبش زنان علیرغم ظرفیت و پتانسیل بالا قوه عظیمی که دارد اما به این دلیل که فمینیسم لیبرال همچنان در آن نقش هژمونیک و دست بالا را دارد نتوانسته است تمام نیرو و توان خود را در جهت پیشروی این جنبش و مبارزه برای تحقق خواستههای بکار بگیرد. فمینیسم لیبرال اساساً خواست های زنان مرفه و متعلق به طبقات دارا و متوسط جامعه را نمایندگی می کند، از اینرو با مطالبات بنیادی اکثریت عظیم زنان کارگر و زحمتکش بیگانه است. در حالی که اگر جنبش زنان بخواهد در مبارزه برای تحقق خواستههای پیشروی کند نمی تواند زنان کار کن که اکثریت زنان را تشکیل می دهد حذف کند. این گرایش بورژوازی که در اثر ضعف و پراکندگی فعالین سوسیالیست، رهبری جنبش زنان را به دست گرفته است برای پیشرفت پروژه هایش به تغییر و تحول از بالا امید بسته است و عملاً جنبش زنان را به زانده جناح بندیهای درون رژیم تبدیل کرده است. فمینیسم لیبرال که بیهودگی و ناکارایی سیاستها و استراتژی اش را به بارزترین وجه در عملکرد گردانندگان کمپین یک میلیون امضا نشان داده است در جریان نمایش انتخابات با کشاندن زنان به پای صندوق ها زیر پوشش مطالبه محوری عملاً زنان را به سیاهی لشکری برای بقای رژیم و حدادی کردن ابزارهای سرکوبش تبدیل می کند. این واقعیت اسفناک است که فعالین سوسیالیست جنبش زنان را به تلاشی متشکل و سازمانیافته برای برون رفت از این تنگنا فرا می خواند. اگر فمینیسم لیبرال خواست زنان طبقه دارا را در بده و بستان با

بالائی‌ها نمایندگی می‌کند، فعالین و پیشروان سوسیالیست جنبش زنان با تمرکز کردن بر خواسته‌های اقتصادی و رفاهی زنان کارگر و زحمتکش قادر خواهند شد که با اجتماعی کردن و توده‌ای کردن جنبش زنان، این جنبش را از گرو نخبگان طبقه دارا خارج سازند. فعالین و پیشروان سوسیالیست جنبش زنان در همان حال که می‌کوشند زنان یک پای ثابت تشکل‌های کارگری باشند، نباید از مبارزه برای ایجاد نهادها و تشکل‌های مستقل از دولت جهت دفاع از مطالبات و حقوق زنان غافل باشند. این تشکل‌ها می‌توانند تمام زنان و مردان مبارز راه‌رهای زنان را در بر گیرند، چنین تشکل‌هایی می‌توانند در ارتباط نزدیک با تشکل‌های کارگری موجود فعالیت خود را پیش ببرند.

دانشگاه‌های ایران علی‌رغم تشدید فشارها و روش‌های ارباب و سرکوب رژیم همچنان صحنه اعتراضات دانشجویان است. این اعتراضات اگر چه عمدتاً خودجوش و بر محور خواسته‌ها و مسائل صنفی شکل می‌گیرد ولی در بسیار موارد به دلیل دخالت عوامل و نهادهای وابسته به رژیم به اعتراض و شعار دادن علیه نهادهای دولتی و سران رژیم می‌انجامد. ظرفیت‌ها و پناسیل رادیکال توده دانشجویان در این مبارزات، نشان می‌دهد که جریان‌های لیبرالی مانند دفتر تحکیم وحدت که با هزار رشته با جناح‌های درون حاکمیت زد و بند دارد قادر به کنترل جنبش دانشجویی نیستند. در همانحال عدم حضور سازمانیافته و متشکل بخش چپ و سوسیالیست جنبش دانشجویی در این اعتراضات بیانگر این واقعیت تلخ است که فعالین سوسیالیست جنبش دانشجویی بعد از سرکوب و وقایع 16 آذر 86 هنوز قامت راست نکرده‌اند، این رکود و رخوت را در افت فعالیت مطبوعاتی و روشنگرانه‌ی این بخش از دانشجویان نیز می‌توان مشاهده کرد. با این حال حضور دانشجویان در صحنه مبارزه، موقعیت رو به پیش جنبش کارگری، بالا گرفتن روحیات اعتراضی در جامعه، روشن شدن جوانب مختلف وقایع مرتبط به 16 آذر 86، همه اینها زمینه‌های مناسبی را برای قد راست کردن مجدد حرکت سوسیالیستی در جنبش دانشجویی فراهم آورده است. این دوره باید با سرعت سپری شود. فعالین و پیشروان کمونیست که بر استراتژی سوسیالیستی در جنبش دانشجویی پای می‌فشارند در این دوره هم باید پیوند و اتحاد خود را با جنبش کارگری حفظ کنند. این می‌تواند رمز پیشروی حرکت سوسیالیستی در جنبش دانشجویی باشد.

در کردستان، پیشتازی جنبش کارگری با مطالبات روشن طبقاتی، زنان به شورش آمده علیه فرهنگ ارتجاع مذهبی و مردسالاری و آگاه به حقوق واقعی خود، جوانان تشنه آزادی و حرکات پیشرو اعتراضی که در همین دوره چند ماهه اخیر هم در آکسیونها و گرد همایی‌های 8 مارس و اول ماه مه و اعتراضات مردم مریوان خود را بروز داد، افق و مسیر روشنی را پیشروی جامعه و برای به پیروزی رساندن مبارزه حق طلبانه این ملت ستمدیده قرار داده است. این دستاورد نتیجه تحولات اجتماعی و سیاسی دهه‌های اخیر در این جامعه و بیش از سه دهه فعالیت کمونیستی کومه له و نیروی چپ است. این تحولات اگر از یکطرف چشم انداز روشنی را در مقابل حرکت سوسیالیستی گشوده است، از سوی دیگر جنبش ناسونالیستی و احزاب وابسته به آن را به یک سردرگمی استراتژیک روبرو کرده است. شعارها و راه‌حل‌های مبهم آنها برای رفع ستم ملی در برگیرنده هیچ تغییر اجتماعی برای بهبود وضعیت زندگی اکثریت مردم ستمدیده این جامعه نیست و در نتیجه نمی‌تواند نیرویی را بسیج کند.

این احزاب به حکم این تحولات به جای آنکه رفع ستم ملی را هدف خود قرار داده باشند، تنها به کسب بخشی از قدرت محلی، از هر طریقی که باشد، رضایت می دهند. این جریانات اگر تا در دیروز برای خزیدن به قدرت به دخالت امریکا چشم دوخته بودند، اکنون که این سیاست با شکست مواجه شده است، بخشی از آنان در همگرایی با اصلاح طلبان حکومتی در کردستان به یاری جمهوری اسلامی شتافته اند تا بازار نمایش انتخاباتی را برای آن گرم کنند. اینان دوستان خود را در میان دشمنان مردم کردستان جستجو می کنند. شکست و رسوائی این سیاست از هم اکنون آشکار است.

در مورد موقعیت نیروهای اپوزیسیون بورژوائی پلنوم تاکید کرد که: کارزار نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری و موضع گیری در قبال آن، عملا به فرصت و امکانی تبدیل شده است که مردم ایران از کانال آن بار دیگر تزلزل و خیانت پیشگی اپوزیسیون بورژوائی رژیم را تجربه کنند. صف اپوزیسیون بورژوائی در این کارزار آشفته است. طیفی از احزاب و جریانات مختلف از سلطنت طلبان مشروطه خواه و جریانات بورژوا لیبرال گرفته تا جریاناتی از ناسیونالیست های کرد به بهانه طرح پاره ای از مطالبات سرکوب شده مردم از زبان کاندیداهای رژیم، به بازار گرمی برای نمایش انتخاباتی پرداخته اند. این دوستان دروغین مردم در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی برای تداوم حاکمیت خودش، برای حدادی کردن ماشین سرکوبش و برای اینکه بتواند در فردای "انتخابات" با اعتماد بنفیس مبارزات مردم را سرکوب کند، به کسب مشروعیت از راه این نمایش انتخاباتی نیاز دارد، تلاش می کنند که مردم را پای صندوق های رای بیاورند. این جریانات در این شرایط بحرانی به یاری جمهوری اسلامی شتافته اند که به تداوم حیات سیاه خودش مهر مشروعیت "انتخاباتی" بکوبد. موضع گیری این جریانات روی دیگر سکه همگرایی آنان با استراتژی آمریکاست، این جریانات اگر روزی امید داشتند سوار بر تانکهای امریکایی تهران را "آزاد" کنند، یا با اتکا به فشارهای قدرتهای غربی جمهوری اسلامی را اصلاح کنند و بعضا در توهم تکرار پروژه کردستان عراق در ایران بودند، امروز که پوچی این استراتژی بر همگان عیان شده است، در انزوا از جنبش های اجتماعی، یاران خود را در درون جناح بندیهای جمهوری اسلامی و در صفوف دشمنان مردم جستجو می کنند. وجود این جریانات در درون اپوزیسیون نه از زاویه دفاع از منافع توده های مردم ستمدیده ایران بلکه از زاویه به بازی گرفته شدن و به دست آوردن سهمی در قدرت سیاسی است.

در ارتباط با مناسبات دولت امریکا با رژیم جمهوری اسلامی پلنوم بر این واقعیت تاکید کرد که با سر کار آمدن اوباما تغییری در استراتژی دولت امریکا در قبال رژیم جمهوری اسلامی بوجود نیامده است. در پیش گرفتن سیاست تعامل و عقب نشینی در مقابل جمهوری اسلامی نه ناشی از قدرت گیری دمکرات ها در واشنگتن بلکه از پیامدهای افول قدر قدرتی امریکاست. بعد از پایان جنگ سرد تلاش امریکا برای شکل دادن به جهان یک قطبی به رهبری امریکا به اتکا به قدر قدرتی نظامی و لشکر کشی به افغانستان و عراق از آنجا که با قدرت اقتصادی آن خوانائی نداشت در اوج قدرت بوش

با شکست مواجه شد. جهان همچنان چند قطبی است. امریکا نه تنها باید در تقسیم مجدد جهان سهم قطب های رقیب در سطح بین المللی را به رسمیت بشناسد بلکه در خاورمیانه هم علیرغم حضور گسترده نظامی تنها با جلب رضایت و به رسمیت شناختن سهم قدرت های منطقه ای و حتی محلی می تواند منافع استراتژیک خود را تعقیب کند. سیاست های عملی امریکا در قبال بحران عراق، افغانستان و فلسطین این موقعیت جدید امریکا را بوضوح بنمایش می گذارد. اما علیرغم افول قدرت امریکا رژیم جمهوری اسلامی خوب می داند که منافع خود را تنها بر متن توافق قدرت های امپریالیستی بر سر تقسیم جهان باید تعقیب کند. اگر در تقسیم جهان امریکا قرار است با حضور نظامی گسترده هژمونی خود بر اقتصاد و سیاست منطقه خاورمیانه را تامین کند، جمهوری اسلامی راهی جز انطباق دادن منافع خود با استراتژی عمومی امریکا در منطقه ندارد. با این وصف روشن است که بحران در مناسبات امریکا با رژیم اسلامی یکروزه پایان نمی گیرد و تا رسیدن به توافق، هر دو طرف منازعه برای کسب امتیاز بیشتر اهرمهای فشار خود را بکار می گیرند. تنگناهای اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی و نگرانی از رشد جنبش های اجتماعی و اعتراضی در جامعه میدان مانور جمهوری اسلامی در این منازعه را تنگ تر کرده است. جمهوری اسلامی تا هنگامی که از ناحیه نارضایتی مردم احساس خطر کند، سازش نهایی را با آمریکا به تاخیر می اندازد و از تنش های موجود در روابط خارجی و بویژه رابطه با آمریکا بماند. راهی برای فراقنی مشکلات داخلی و سرکوب مبارزات مردم بهره برداری خواهد کرد.

در بخش گزارش تشیلاتی، پلنوم گزارشی از عرصه های مختلف فعالیت کومه له را دریافت نمود و سیاستهای تا کنونی کومه له در مبارزات سیاسی و اجتماعی جاری در کردستان را مورد تأیید قرار داد. در همین رابطه بر اهمیت سیاسی تحریم قاطعانه و یکپارچه انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری بویژه در کردستان تأکید نمود و خطوط اصلی کمپینی که در این مورد، اکنون در حال اجرا است مورد تأیید پلنوم قرار گرفت.

پلنوم مباحث کنفرانس هشتم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران را نشانه رشد و بلوغ سیاسی اعضای تشکیلات ارزیابی کرد و ابراز خوشبینی و امیدواری نمود که کمیته منتخب این کنفرانس در راستای جهت گیریهای این کنفرانس که رئیس اولویت های آن در بیانیه کمیته تشکیلات خارج به روشنی بیان شده است را با موفقیت پیش ببرند.

در پلنوم کمیته مرکزی ارزیابی از فعالیت کانال تلویزیونی کومه له مورد بحث قرار گرفت. نزدیک به چهار سال از احداث کانال تلویزیون کومه له می گذرد. اکنون مدتهاست که شور و شوق اولیه ناشی از احداث کانال تلویزیونی با طرح توقعات بیشتر و جدید توأم شده است. تلویزیون کومه له اگر چه در این دوره با ارتقای حجم و تنوع برنامه ها به تقویت جبهه مبارزه رادیکال و سوسیالیستی در جامعه کمک شایانی رسانده است، با این وصف هنوز از سطح توقعات بینندگان بسیار فاصله دارد. کمیته مرکزی در همانحال که افزایش روز افزون سطح توقع از تلویزیون کومه له را قبل از هر چیز نشانه تثبیت موقعیت این کانال تلویزیونی و کار عظیمی که انجام گرفته است ارزیابی کرد با اینحال تأکید کرد، با توجه به نقش مهمی که این رسانه تبلیغی در کمک به شکل گیری یک آلترناتیو انقلابی می تواند ایفا کند، با توجه به سطح توقعاتی که در

جامعه وجود دارد و با توجه به یک ارزیابی عینی از پیشرفت کار ما در این زمینه و ظرفیت های بالقوه ای که در تشکیلات ما برای ارتقا آن نهفته است، پیشرفت تکنونی ما در ارتقا کیفیت، فنی، تکنیکی و مضمون برنامه های به کندی صورت گرفته است. کمیته مرکزی در همین رابطه ارتقای کیفیت کار تلویزیون در همه زمینه ها را یکی از اولویت های فعالیت دور آتی خود تعریف کرد. پلنوم در همین رابطه تصمیم کمیته اجرائی به انتقال کانال تلویزیون کومه له به (EuroBird9) را مورد تایید قرار داد. این انتقال اگرچه در کوتاه مدت بینندگان تلویزیون کومه له را کاهش می دهد اما از آنجاکه این انتقال و پخش برنامه های تلویزیون از مسیر جدید هزینه کمتری در بر دارد، از یک طرف می تواند به ادامه کاری تلویزیون یاری رساند و از طرف دیگر در ارتقای کیفیت فنی و تکنیکی برنامه های تلویزیون که بطور مستقیم تر به بنیه مالی بستگی دارد مفید واقع شود.

در زمینه امور مالی، پلنوم با تاکید مجدد بر اهمیت توان مالی برای تداوم و گسترش عرصه های مختلف فعالیت تشکیلاتی، بنیه مالی فعلی تشکیلات را با نیاز و ضرورت مبرم به گسترش فعالیت های تشکیلات نامتناسب ارزیابی کرد و از این زاویه به تمرکز حواس دائم رهبری تشکیلات بر ارتقای ظرفیت ها و توان مالی تشکیلات تاکید ورزید. پلنوم به این منظور از میان اعضای کمیته مرکزی حزب و کومه له یک کمیسیون پنج نفره را انتخاب کرد. این کمیسیون طرح بودجه بندی ارگانها و عرصه های مختلف فعالیت تشکیلات و همچنین طرح های خود برای ایجاد منابع درآمد و جمع آوری کمک های مالی را تدوین و جهت تصویب به کمیته مرکزی ها ارائه خواهد داد. این کمیسیون بر کل درآمدها و هزینه های تشکیلات نظارت می کند و امر کنترل و حسابرسی بر کل امور مالی را بر عهده دارد.

پلنوم در بخشی از کار خود فعالیت کمیته تشکیلات شهرها، رادیو صدای حزب کمونیست ایران، نشریه جهان امروز، سایت های حزب و کومه له را مورد بحث قرار داد و برای تقویت کار آنها در موارد مشخص تصمیمات لازم را اتخاذ نمود. پلنوم کمیته تشکیلات شهرها را به جای خود ابقا کرد و به این کمیته این اختیار را داد که در صورت لزوم برای پیشبرد فعالیت هایش از میان کادرهای حزب دستیارانی را برای خود تعیین کند.

پلنوم در آخرین بخش کار خود کمیته اجرائی مرکب از پنج تن از اعضای کمیته مرکزی حزب رفقا؛ هلمت احمدیان، حسن شمس، بارزان حسن پور، ابراهیم علیزاده و صلاح مازوجی را مجددا بجای خود ابقا کرد. کمیته اجرائی در فاصله دو پلنوم هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب را بر عهده خواهد داشت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

13 خرداد 1388 -- 3 ژوئن 2009